



تلاوت روزی یک جزء از  
**قرآن**  
الجزء  
۹  
**Qur'an**  
Reciting one Juz' a day from

جزء ٩ - صفحہ ١٦٢ تا صفحہ ١٨١

الجزء التاسع - الصفحة ١٦٢ إلى الصفحة ١٨١

Juz' (Part) 9 - Page 162 to Page 181

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



۳  
قَالَ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

رؤسا و گردنکشان

The elders among his people

مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ

قوم او گفتند: ای شعیب

who had acted proudly said: "We'll run you out of our town, Shu'ayb,

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرِيبِنَا

ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون می کنیم  
as well as those who believe along with you;

أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا ج

مگر آنکه به کیش ما برگردید. شعیب گفت:  
or else you will return to our sect!"





قَالَ أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ

اگر چه با این نفرت که ما از آیین شما داریم (باز هم به آن بازگردیم)؟ (۸۸)

He said: "Even though we detest it? (88)"

قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

اگر ما به دین شما برگردیم

We'd invent a lie about God



٦  
إِن عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ

با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده  
if we returned to your sect now

بَعْدَ إِذْ نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا

همانا به خدا افترا و دروغ بسته ایم،  
after God has saved us from it.



وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا

و هرگز نشود که ما به آیین شما رجوع کنیم

There is no means for us to return to it

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا

مگر آنکه مشیت خدا قرار گیرد، که او پروردگار ماست،

unless God our Lord should wish us to;





۸  
وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ج

پروردگار ما بر همه چیز کاملاً آگاه است،  
our Lord comprises everything in knowledge.

عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا ج

ما بر خدا توکل کردیم،  
On God have we relied.





۹ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا

پروردگارا، تو بین ما و امت،

Our Lord, really deliver us from our own people;

بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ۱۹

به حق داوری کن که تو بهترین داورانی. (۱۹)

You are the best Deliverer." (89)



وَقَالَ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ

سران کافر امتش

The elders among his people

كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

گفتند:

who disbelieved said:



لَئِنْ أَتَيْتُمْ شُعَيْبًا

اگر پیروی شعیب کنید  
"If you follow Shu'ayb,

۹۰

إِنْكُمْ إِذَا تَخَاسِرُونَ

البته در زیان خواهید افتاد. (۹۰)  
you will then be losers." (90)



# فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ

پس زلزله آن منکران را درگرفت، پس شب را صبح کردند  
**So the Tremor caught them,**

فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩١﴾

در حالی که در خانه‌های خود به خاک هلاک افتادند. (۹۱)  
**and one morning they lay cowering in their homes: (91)**



# الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا

آنان که شعیب را تکذیب کردند هلاک شدند  
 those who rejected Shu'ayb [ended up]

# كَانَ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ج

و اثری از آنها باقی نماند، گویی در آن دیار نبودند.  
 as if they had never been so wealthy in them;



الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا

آنان که شعیب را تکذیب کردند  
those who rejected Shu'ayb

كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ٩٢

خود زیانکار شدند. (۹۲)  
were the losers! (92)



فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ

آن گاه شعیب از آن مردم بی ایمان روی گردانید و گفت: ای قوم،  
So he turned away from them and said: "My people,

لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي

من به شما ابلاغ رسالت‌های خدای خود کردم  
I have delivered my Lord's messages to you





وَنَصَحْتُ لَكُمْ ز

و شما را اندرز و نصیحت نمودم،  
and counselled you sincerely.

فَكَيْفَ ءَأَسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ ٤  
٩٣

اکنون من چگونه بر هلاک کافران غمگین باشم! (۹۳)  
Why should I grieve over a disbelieving folk?" (93)



وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ

و ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم

**We have never sent a prophet into any town**

إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ

مگر آنکه اهلش را به شداید و محن مبتلا ساختیم

**unless We [first] seized its people with suffering and hardship,**





لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ

تا به درگاه خدا تضرع و زاری کنند. (۹۴)  
so that they might be humbled. (94)

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحُسْنَةَ

سپس آن سختی‌ها را به آسایش و خوشی مبدل کردیم  
Then We turned evil into good



# حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا

تا به کلی حال خود را فراموش کرده و گفتند: آن رنج و خوشیها  
so that they were thriving, and said:

قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ

به پدران ما نیز رسید (و این عادت روزگار است که گاهی خوش و گاهی ناخوش است)،  
"Both hardship and happiness befell our ancestors."



# فَاخَذْنَا هُمْ بِغَتَّةٍ

ما هم به ناگاه آنان را گرفتیم  
So We seized them suddenly

۹۵ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

در حالی که (از توجه به آن عقاب) غافل بودند. (۹۵)  
while they did not even notice it. (95)



وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ

و چنانچه مردم شهر و دیارها

If the townsfolk had

ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا

همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند  
(only) **believed and done their duty,**



# لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم

همانا ما درهای برکاتی

**We would have showered blessings**

# بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم

**from Heaven and Earth on them,**





# وَلَكِنْ كَذَّبُوا

و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند  
**but they rejected [them], so We seized them**

# فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم. (۹۶)  
**because of what they had been acquiring. (96)**



أَفَامِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ

آیا اهل شهر و دیارها (که به نافرمانی خدا و اعمال نکوهیده مشغولند)

Do townsfolk feel secure from Our might's striking them

بِأَسْنَأِ بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾

از آن ایمنند که شبانگاه که در خوابند عذاب ما آنها را فرا گیرد؟ (۹۷)

at dead of night while they are asleep? (97)



أَوَامِنَ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَّا يَأْتِيَهُمُ

آیا اهل شهر و دیارها (که از یاد خدا و طاعت او غافلند) از آن ایمنند  
Or do the people of the towns feel safe from Our might's striking

بِأَسْنَأُ ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾

که به روز که سرگرم بازیچه دنیا هستند عذاب ما آنان را فرا رسد؟ (۹۸)  
them in broad daylight while they are playing around? (98)



أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ ج فَلَا يَأْمَنُ

آیا از مکر خدا (یعنی آزمایش و مجازات خدا) غافل و ایمن گردیده‌اند؟

Do they feel safe from God's design? No one should feel safe

مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْخَاسِرُونَ ع ۹۹

که از آن مکر و انتقام البته کسی غافل نشود مگر مردم زیانکار. (۹۹)

from God's design except for folk who will lose out. (99)



أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ

آیا این مردمی را که بعد از اقوامی که همه مُردند،

Were those who will inherit the earth

مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ

وارث زمین شدند (خدا) آگاه نفرموده که اگر ما بخواهیم

after its [present] people never shown how



أَصْبِنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ

به کیفر گناهانشان می‌رسانیم و بر دل‌هایشان

We would strike them down for their offences and seal off their

عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهَم لَّا يَسْمَعُونَ

مُهر می‌نهمیم که دیگر (به گوش دل چیزی) نشنوند؟ (۱۰۰)

hearts if We so wished, so they would not hear? (100)



# تِلْكَ الْقُرَى

این است شهرهایی که

**We have related news**

# نَقْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا

ما بر تو از اخبار اهلش بیان کردیم،

**concerning those towns to you:**





وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

همه را رسولان حق با ادله روشن آمدند

their messengers came to them with explanations, yet they were not

فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا مِنْ قَبْلُ

اما بر آن نبودند که به آنچه پیش از آن تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند.

in any mood to believe in something they had already rejected.



كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ

این چنین خدا  
Thus God seals off

عَلَىٰ قُلُوْبِ الْكَافِرِيْنَ ۱۰۱

دل‌های کافران را مهر می‌زند. (۱۰۱)  
disbelievers' hearts. (101)



وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ

و اکثر مردمان را در عهد استوار ندیدیم

We did not find any agreement was ever kept by most of them,

۱۰۲

وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ

بلکه بیشترشان را عهدشکن و بزهکار یافتیم. (۱۰۲)

although We did find most of them were quite immoral! (102)



ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

بعد از آن رسولان، باز ما موسی را با آیات و ادله روشن خود به سوی فرعون

Then after them, we despatched Moses with Our signs

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا

و مهتران قومش فرستادیم، آنها هم با آن آیات مخالفت و به آنها ستم کردند

to Pharaoh and his courtiers, and they mistreated them.



# فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ

بنگر تا عاقبت

See how the outcome

عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

۱۰۳

به روزگار آن تبهکاران چه رسید! (۱۰۳)

was for mischief-makers! (103)



وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ

و موسی خطاب کرد که ای فرعون،

Moses said: "Pharaoh,

إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

محققاً من فرستاده‌ای از خدای عالمیانم. (۱۰۴)

I am a messenger from the Lord of the Universe. (104)



# حَقِيقٌ عَلَيَّ

سزاوار آنم که

It is (only) right for me

أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ

از طرف خدا چیزی جز به حق نگویم،

to say nothing except the Truth about God.



قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ

همانا دلیلی بس روشن (معجزه بسیار آشکار و حجتی محکم و استوار) از جانب  
**I have brought you an explanation from your Lord,**

فَارْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ١٠٥

پروردگارتان برای شما آورده‌ام، پس بنی اسرائیل را با من بفرست. (۱۰۵)  
**so send the Children of Israel away with me." (105)**



قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ

فرعون پاسخ داد که اگر دلیلی

He said: "If you have brought some sign,

۱۰۶

فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

برای صدق خود داری بیار اگر از راستگویانی. (۱۰۶)

well produce it then if you are so truthful!" (106)



# فَالْقَىٰ عَصَاهُ

موسی هم عصای خود را بیفکند

He tossed his staff down and imagine,

فَإِذَا هِيَ تَعْبَارٌ مِّبِينٌ

به ناگاه از آن عصا، ازدهایی عظیم پدیدار گردید. (۱۰۷)

it obviously became a snake! (107)



وَنَزَعَ يَدَهُ وَ

و دست (از گریبان خود) برآورد  
He pulled out his hand [from his shirtfront],

فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ۱۰۸

که ناگاه بینندگان را سپید و رخشان بود. (۱۰۸)  
and imagine, it was white to the onlookers! (108)



# قَالَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ

مهتران قوم فرعون گفتند که

The notables among Pharaoh's people said:

## إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾

این شخص ساحری سخت ماهر و داناست. (۱۰۹)

"This is some clever magician! (109)



ز  
يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ

اراده آن دارد که شما را از سرزمین خود بیرون کند،

He wants to drive you out of your land;

فَمَاذَا تَأْمُرُونَ  
۱۱۰

اکنون در کار او چه دستور می دهید؟ (۱۱۰)

so what do you command?" (110)



# قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ

قوم به فرعون گفتند که موسی و برادرش (هارون) را  
**They said: "Put him and his brother off,**



# وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

زمانی بازدار و گردآورانی به شهرها بفرست. (۱۱۱)  
**and send recruiters out through the cities (111)**





يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

تا ساحران زبردست دانا را به حضور تو جمع آورند. (۱۱۲)  
**who will bring you in every clever magician." (112)**

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ

و عدده بسیاری ساحران به حضور فرعون گرد آمده،  
**The magicians came to Pharaoh.**



قَالُوا إِنْ لَنَا لَأَجْرًا

فرعون را گفتند: اگر بر موسی غالب آییم  
**They said: "Will we have some payment**

۱۱۳ **إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ**

برای ما اجر و مزد شایان خواهد بود؟ (۱۱۳)  
**if we are the winners?" (113)**





# قَالَ نَعَمْ

فرعون پاسخ داد: بلی

He said: "Yes,

وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ

و علاوه بر آن نزد من از مقربان خواهید گشت. (۱۱۴)

and you will become courtiers." (114)



قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَن تُلْقِي

ساحران به موسی گفتند: اکنون خواهی نخست تو عصای خود بیفکن  
 They said: "Moses, will you throw something down

وَأِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾

یا ما بساط سحر خویش بیندازیم. (۱۱۵)  
 or shall we be the ones to throw [first]?" (115)



# قَالَ الْقَوَا

موسی گفت: شما اول اسباب خود بیفکنید.

He said: "You throw [first]!"

# فَلَمَّا الْقَوَا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ

چون بساط خود انداختند به جادوگری چشم خلق بربستند

So when they threw, they charmed the people's eyes



وَاسْتَرْهَبُوهُمْ

و مردم را سخت به هراس افکندند،  
and overawed them.

وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ

و سحری بس عظیم و هول انگیز برانگیختند. (۱۱۶)

They produced a splendid trick! (116)



وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ﴿۱۱۷﴾

و ما به موسی وحی نمودیم که عصای خود را بیفکن، (چون عصا انداخت)  
We inspired Moses with: "Throw your staff," and imagine,

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿۱۱۷﴾

ناگاه معجزه او هر چه ساحران بافته بودند، یکباره همه را بلعید. (۱۱۷)  
it swallowed up whatever they had trumped up! (117)



# فَوْقَ الْحَقِّ

پس حق ثابت شد

Truth prevailed

وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و اعمال ساحران همه باطل گردید. (۱۱۸)

and what they had been doing collapsed; (118)



فَعْلَبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

عاقبت فرعونیان در آنجا مغلوب شده و خوار و سرشکسته بازگشتند.  
those men were defeated and were turned back belittled.

۱۱۹ وَالْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ۱۲۰

(۱۱۹) و ساحران بی اختیار به سجده افتادند. (۱۲۰)

(119) The magicians dropped down on their knees; (120)



قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۱۲۱

گفتند: ما ایمان آوردیم به خدای عالمیان، (۱۲۱)

they said: "We believe in the Lord of the Universe, (121)"

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

۱۲۲

خدای موسی و هارون. (۱۲۲)

the Lord of Moses and Aaron." (122)





قَالَ فِرْعَوْنُ ءَأَمِنْتُمْ بِهِ

فرعون گفت: چگونه پیش از دستور

Pharaoh said: "You have believed in Him

قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ

و اجازه من به او ایمان آوردید؟

before I permit you to!



إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ

همانا این مکرى است که در این شهر اندیشیده‌اید

This is some scheme which you have hatched in the city

لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا

که مردم این شهر را از آن بیرون کنید،

in order to drive its people out.





# فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

پس به زودی خواهید دانست! (۱۲۳)

**You will soon find out! (123)**

# لَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ

همانا دست و پای شما را

**I'll cut off your hands**



وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ

یکی از راست و یکی از چپ بریده  
and feet on opposite sides;

ثُمَّ لَأَصْلِبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

۱۲۴

و آن گاه همه را به دار خواهم آویخت. (۱۲۴)  
then I'll crucify you all." (124)



# قَالُوا

ساحران گفتند:

**They said:**

۱۲۵

# إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

ما به سوی خدای خود باز می‌گردیم. (۱۲۵)

**"We will be sent home to our Lord. (125)**



وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا

و کینه و انتقام تو از ما تنها به جرم آن است

You are persecuting us only because we have believed

بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا

که ما به آیات خدا چون برای (هدایت) ما آمد ایمان آوردیم،

in our Lord's signs once they were brought us.



رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا

بار خدایا، به ما صبر و شکیبایی ده  
Our Lord, pour patience over us,

ع  
۱۲۶

وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ

و ما را به آیین اسلام (یعنی با تسلیم و رضای به حکم خدا) بمیران. (۱۲۶)  
and gather us up [at death] as Muslims!" (126)



# وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ

و سران قوم فرعون گفتند:

The notables among Pharaoh's people said:

# أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ

آیا موسی و قومش را واگذاری

"Are you letting Moses and his people





# لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

تا در این سرزمین فساد کنند

**ruin the earth,**

# وَيَذَرَكْ وَأَالِهَتَكَ

و تو و خدایان تو را رها سازند؟

**and forsake you and your gods?"**



قَالَ سَنَقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي

فرعون گفت: به زودی پسرانشان را کشته و زنانشان را زنده گذاریم (و در رنج

He said: "We shall slaughter their sons and let their women

نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

۱۲۷

و عذاب خدمت و اسارت نگاه داریم) و ما بر آنها غالب و مقتدریم. (۱۲۷)

live; we stand irresistible over them." (127)



# قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا

موسیٰ به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید  
**Moses told his people: "Seek help from God**

## بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا

و صبر کنید  
**and act patient;**



إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ

که زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد  
 the earth belongs to God. Anyone He wishes from among His servants

مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

۱۲۸

به میراث دهد، و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست. (۱۲۸)  
 will inherit it, and the outcome belongs to the heedful." (128)



قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا

قوم موسی به او گفتند که ما هم پیش از آمدن تو (به رسالت)  
**They said: "We were oppressed before you came to us,**

وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْنَا

و هم بعد از آنکه آمدی به رنج و شکنجه (دشمن) بوده ایم،  
**and [will be again] after you have come to us."**



قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَهْلِكَ عَدُوُّكُمْ

موسی گفت: امید است که خدا دشمن شما را هلاک نماید  
 He said: "Perhaps your Lord will wipe out your enemy

وَيَسْتَخْلِفُكُمْ فِي الْأَرْضِ

و شما را در زمین جانشین کند  
 and leave you as overlords on earth,





ع

# فَيَنْظُرْ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

آن گاه بنگرد تا شما چه خواهید کرد. (۱۲۹)  
 so He may observe how you act." (129)

# وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ

و فرعونیان را سخت به قحط و تنگی معاش  
 We gripped Pharaoh's household with years [of trial]



# وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ

و نقص و آفت بر کشت و زرع مبتلا کردیم  
and a shortage of fruit



# لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ

تا شاید متذکر شوند. (۱۳۰)  
so they might bear it in mind. (130)





فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحُسْنَةُ

پس هر گاه که نیکویی (و پیشامد خوشی) بدانها می‌رسید

Whenever something fine came to them,

قَالُوا لَنَا هَذِهِ

به شایستگی خود نسبت می‌دادند،

they said: "This is ours;"



وَإِن تَصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ

و هر گاه بدی (و پیشامد ناگواری مانند قحط و سختی) بر آنها می آمد  
 while if something evil afflicted them, they took it

يَطِيرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ

فال بد به موسی و همراهانش می زدند.

as an omen connected with Moses and whoever was with him.



الْأَيْنَمَا ظَآئِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ

آگاه باشند که فال بد آنها نزد خداست (یعنی رنج و سختی‌ها که بر آنان

Did not their omen only lie with God?

وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۳۱

پیش آید کیفر از جانب خداست) لیکن اکثر آنها بر این آگاه نیستند. (۱۳۱)

Yet most of them do not realize it. (131)



وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ

و گفتند: هر آیه و معجزه‌ای که برای ما بیاوری  
**They said: "No matter what sign you may bring us**

لِتَسْحَرَنَا بِهَا

که ما را بدان سحر کنی  
**to charm us with,**





فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

هرگز ما به تو ایمان نخواهیم آورد. (۱۳۲)

**we will never believe in you." (132)**

فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ

پس بر آنها طوفان

**We sent the flood**



وَالْمُجْرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ

و ملخ و شپشک و وزغ و خون (خون شدن آب) آن نشانه های آشکار  
and grasshoppers, lice, frogs and blood on them

ءَايَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا

(قهر و غضب) را فرستادیم، باز طریق کبر و گردنکشی پیش گرفتند  
as distinguishing signs, yet they (still) acted proudly



۱۳۳

وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

و قومی گناهکار بودند. (۱۳۳)

and were criminal folk. (133)

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ

و چون بلا بر آنها واقع شد

Whenever some plague fell upon them,



قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ

گفتند که ای موسی، خدایت را به عهدی که  
they said: "Moses, appeal to your Lord for us,

بِمَا عَهْدَ عِنْدَكَ

با تو دارد بخوان (تا این عذاب و بلا را از ما دور کند)،  
because of what He has pledged for you;





لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ

که اگر رفع بلا کردی البته ایمان به تو می آوریم  
if you will lift the plague from us, we will believe in you

۱۳۴

وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

و بنی اسرائیل را به همراهی تو می فرستیم. (۱۳۴)  
and send the Children of Israel away with you." (134)



فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ

پس چون بلا را تا مدتی که متعهد شدند ایمان آورند

Yet whenever We lifted the plague from them for a period which

هُم بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

از سر آنها رفع کردیم، باز پیمان را شکستند. (۱۳۵)

they were to observe, why, they failed to keep it! (135)



فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ

ما هم از آنان انتقام کشیدیم و آنها را به دریا غرق کردیم

We avenged Ourselves on them and drowned them in the deep,

بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

به کیفر آنکه آیات ما را تکذیب کرده

because they had rejected Our signs





وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

و از آن غفلت نمودند. (۱۳۶)

and been so heedless of them. (136)

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ

و طایفه‌ای را که فرعونیان

We let a folk whom



كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ

ذلیل و ناتوان می داشتند وارث مشرق

they considered to be inferior inherit the Eastern

وَمَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا

و مغرب زمین با برکت (مصر و شامات) گردانیدیم

and Western parts of the land which We had blessed.



وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ

و آن سخن و وعده نیکوی خدای تو بر بنی اسرائیل

Your Lord's finest word was accomplished for the Children of Israel

بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا

تحقق یافت به پاداش صبری که (در مصائب) کردند،

because they had been so patient.



وَدَمَّرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ

و آنچه را فرعون و قومش می ساختند و می افراشتند  
**We destroyed everything Pharaoh and his people**

وَقَوْمَهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

۱۳۷

(از صنایع و عمارات و کاخهای با عظمت) ویران نمودیم. (۱۳۷)

**had been producing and whatever they had been building. (137)**



وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ

و بنی اسرائیل را از دریا به ساحل رسانیدیم،  
We led the Children of Israel across the sea.

فَاتَّوَا عَلَى قَوْمٍ

پس به قومی که  
They came upon a people





يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ

بر پرستش بتان خود متوقف بودند برخورداره،  
who were dedicated to some idols they had.

قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا

گفتند: ای موسی برای ما خدایی مثل خدایانی که  
They said: "Moses, make a god for us



كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ

این بت پرستان راست، مقرر کن.  
like the gods they have."

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

۱۳۸

موسی گفت: شما سخت مردم نادانی هستید. (۱۳۸)  
He said: "You are a folk who act ignorantly. (138)



إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُمْ فِيهِ

خدایانی که این جماعت بت پرستان راست فانی،  
Anything those people are busy at is doomed

۱۳۹

وَبِاطِلٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و آیین و کارهایشان باطل و تباه است. (۱۳۹)  
and whatever they have been doing is absurd." (139)



قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا

موسی گفت: آیا غیر خدا را برای شما به خدایی طلبم

He said: "Should I seek something instead of God as a deity for you,

وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۱۴۰

در صورتی که خداست که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت بخشید! (۱۴۰)

while He has preferred you ahead of [everyone in] the Universe? (140)

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ أٰلِ فِرْعَوْنَ

و (یاد آرید) هنگامی که شما را از چنگ فرعونیان نجات دادیم  
**When We saved you from Pharaoh's household,**

يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

که شما را سخت به عذاب و شکنجه می داشتند،  
**they were imposing the worst torment on you:**



يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ

پسرانتان را کشته

they slaughtered your sons

وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ

و زنان را زنده (به اسارت و خدمتکاری) می داشتند

and spared your women.



وَ فِي ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ


و این شما را از جانب خدا  
That meant a serious trial

مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

۱۴۱

امتحان و تنبیه بزرگی بود. (۱۴۱)  
from your Lord." (141)



وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً 

و ما با موسی سی شب وعده قرار دادیم  
We appointed thirty nights for Moses

وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرِ

و ده شب دیگر بر آن افزودیم  
and completed them with ten;





# فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ج

تا آنکه زمان وعده پروردگارش به چهل شب تکمیل شد.

the appointment with his Lord was complete in forty nights.

# وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ

و موسی به برادر خود هارون گفت:

Moses told his brother Aaron:



# هُرُونَ أَخْلَفَنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحَ

تو اکنون جانشین من در قوم من باش و راه صلاح پیش گیر

"Rule my people in my stead and set a good example;

# وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

۱۴۲

و پیرو راه اهل فساد مباش. (۱۴۲)

do not pursue the mischief-makers' course." (142)



# وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا

و چون (قوم تقاضای دیدن خدا کردند) موسی (با هفتاد نفر بزرگان قومش که انتخاب

**When Moses came for Our appointment**

# وَكَانَ كَلِمَةً رَبِّهِ

شده بودند) وقت معین به وعده‌گاه ما آمد و خدایش با وی سخن گفت،

**and his Lord spoke to him,**



قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنظُرَ إِلَيْكَ ج

موسی (به تقاضای جاهلانۀ قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار  
he said: "My Lord, show [yourself] to me so I may look at You."

قَالَ لَنْ تَرَانِي

بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید  
He said: "You will never see Me,



وَلٰكِنِ اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ

و لیکن به کوه بنگر، اگر کوه طور (بدان صلابت،  
but look at the mountain [instead].

فَاِنْ اَسْتَقَرَّ مَكَانَهُ وَ فَسَوْفَ تَرَانِي

هنگام تجلی) به جای خود برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید.  
If it remains in its place, then you shall see Me."



فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ

پس آن گاه که تجلی خدایش بر کوه تابش کرد

When his Lord displayed his glory to the mountain,

جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا

کوه را مندرک و متلاشی ساخت و موسی بی هوش افتاد.

He left it flattened off, and Moses fell down stunned.



فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ

سپس که به هوش آمد عرض کرد: خدایا تو منزّه و برتری، به درگاه تو توبه کردم و من (از قوم

When he came back to his senses, he said: "Glory be to You!

إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ۱۴۳

خود) اول کسی هستم که (به تو و تنزه ذات پاک تو از هر آرایش جسمانی) ایمان دارم. (۱۴۳)

I have turned to You and am the first believer! (143)



قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ

خدا فرمود: ای موسی من تو را به مقام پیام رسانی خود

He said: "Moses, I have selected you

عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي

و هم صحبتی خویش بر سایر مردم برگزیدم،

ahead of [all] mankind for My messages and My word;





# فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ

پس آنچه را که به تو دادم کاملاً فراگیر  
so accept whatever I may give you

# وَكَُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ

۱۴۴

و از شکرگزاران باش. (۱۴۴)

and act grateful [for it]." (144)



# وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ

و در الواح (تورات آسمانی) از هر موضوع  
**We wrote down a bit of everything for him**

# مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً

برای نصایح و پند و هم تحقیق هر چیز (برای علم و معرفت)  
**on Tablets for instruction**



وَتَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخَذُّهَا بِقُوَّةٍ

به موسی نوشتیم (و دستور دادیم) که (حقایق و احکام) آن را به قوت (عقل  
and as an analysis of everything: "Hold to it firmly

وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا خُذُوا بِأَحْسَنِهَا

و ایمان) فراگیر و قوم را دستور ده که مطالب نیکوتر آن را اخذ کنند،  
and command your folk to hold on to whatever is best in it.





# سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ

که (پستی) مقام و منزلت فاسقان را به زودی به شما نشان خواهم داد. (۱۴۵)  
**I shall show you (all) the home for immoral people. (145)**

# سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ

من آنان را که در زمین

**I shall divert those from My signs who have strutted around**



يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

به ناحق کبر و بزرگمنشی کنند از آیات خود رو گردان و معرض خواهیم ساخت،  
the earth so proudly without having any right to do so."

وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا

و اگر هر آیتی بینند به آن ایمان نیاورند

Even if they saw every sign, they still would not believe in them. 

وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ

و اگر راه رشد و هدایت یابند

If they saw the way to normal behavior they would not accept it

لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا

آن را نمی‌مایند

as any way [to behave],



وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ

و اگر راه جهل و گمراهی یابند  
while if they saw any way to err,

يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا

آن را پیش گیرند.  
they would accept it as a course [of action].



ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا

این (ضلالت آنها) بدین جهت است که آیات ما را تکذیب کردند  
**That is because they have rejected Our signs**

۱۴۶

وَكَانُوْا عَنْهَا غَافِلِيْنَ

و از آنها غافل و معرض بودند. (۱۴۶)  
**and been heedless of them. (146)**





# وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

و آنان که آیات (آسمانی) ما و لقاء عالم آخرت را تکذیب کردند  
**Those who reject Our signs and [the idea of]**

# وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ

اعمالشان (که جز برای دنیا نبود) تباه و باطل شود،  
**a meeting in the Hereafter will [see] their works collapse.**



# هَلْ يُجْزَوْنَ

آیا جز آنچه می کردند

Will they not be rewarded for just

إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۴۷

کیفر بینند؟ (۱۴۷)

what they have been doing? (147)



وَإِذْ أَخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ

و قوم موسی بعد از او (یعنی بعد از رفتن او به طور برای وعده حق) مجسمه  
**After he had gone, Moses' folk designed a calf**

حَلِيَّتِهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ وَخَوَارِجُ

گوساله‌ای که صدایی و خواری داشت، از طلا و زیورهای خود ساخته و پرستیدند.  
**[made] out of their jewelry, a (mere) body that mooed.**



الَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكْلِمُهُمْ

آیا ندیدند که آن مجسمه بی روح با آنها سخنی نمی گوید

Did they not see that it neither spoke to them

وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا

و آنها را به راهی هدایت نمی کند؟ (آری دیدند

nor guided them along any way?





# أَتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ

و از جهل و عناد باز) پی آن گوساله گرفتند و مردمی ستمکار بودند. (۱۴۸)  
**They adopted it and (thereby) became wrongdoers. (148)**

# وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ

و چون به خود آمدند و از آن عمل پشیمان شدند  
**When the matter was dropped in their hands**



وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا

و دیدند که درست گمراهند  
and they saw that they were lost,

قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا

(با خود) گفتند: اگر خدا ما را نبخشد  
they said: "If our Lord does not show us mercy



وَيَغْفِرْ لَنَا

و از ما نگذرد  
and forgive us,

لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

۱۴۹

سخت از زیانکاران خواهیم بود. (۱۴۹)

we will be losers." (149)



وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ

و چون موسی به حال خشم و تأسف

**When Moses returned angry,**

غَضِبَانَ أَسِفًا

به سوی قوم خود بازگشت،

**sorrowful to his folk,**





قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي

به آنان گفت: شما پس از من بسیار بد حفظ الغیب من کردید!  
 he said: "What an awful thing you have committed behind my back!"

أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ


آیا در امر خدای خود عجله کردید!  
 Have you tried to hurry up your Lord's command?"



# وَأَلْقَى الْأَلْوَابِحَ

و الواح را به زمین انداخت  
He dropped the Tablets

# وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ وَاِلَيْهِ ج

و (از فرط غضب) سر برادرش (هارون) را گرفته به سوی خود می کشید،  
and seized his brother by the head, pulling him towards himself. 

قَالَ ابْنُ أُمِّ إِيَّانَ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي

هارون گفت: ای فرزند مادرم، این قوم مرا خوار و زبون داشتند  
 He said: "Son of my mother, the people felt I was weak

وَكَادُوا يَقْتُلُونِي

تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل رسانند،  
 and they almost killed me!



فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ

پس تو دشمنان را بر من شاد مگردان

Don't let any enemies gloat over me

۱۵۰

وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و مرا در عداد مردم ستمکار مشمار. (۱۵۰)

nor place me with such wrongdoing folk!" (150)



قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِإِخِي

موسی (بر او شفقت کرد و) گفت: پروردگارا، من و برادرم را بیامرز  
 He said: "My Lord, forgive me and my brother,

وَادْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ

و ما را در ظلّ رحمت خود داخل گردان،  
 and let us enter Your mercy!



وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۴

۱۵۱

و تو مهربان ترین مهربانانی. (۱۵۱)

You are the most Merciful of those who show mercy!" (151)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

آنان که گوساله را به پرستش گرفتند  
Anger and disgrace from their Lord



سَيُنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ

(آتش قهر و) غضب خدا (در آخرت) و ذلت و خواری  
will be awarded those who accepted the Calf

وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

در حیات دنیا محققاً به آنها خواهد رسید،  
during worldly life.



۱۵۲

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ

و این چنین ما دروغ پردازان را کیفر خواهیم کرد. (۱۵۲)

Thus We reward those who invent [such things]; (152)

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ

و آنان که مرتکب عمل زشت شدند

as for those who perform evil deeds,





ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا

و پس از آن عمل بد، توبه کردند و (به اخلاص) ایمان آوردند،  
then repent later on and believe,

إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

۱۵۳

خدای تو بر آنها بعد از توبه، به یقین بخشنده و مهربان است. (۱۵۳)  
your Lord will later on be Forgiving, Merciful. (153)



وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُوسَى الْغَضَبُ

و چون غضب موسی فرو نشست

When his anger had subsided, Moses picked up

أَخَذَ الْأَلْوَا حَ ز

الواح تورات را بر گرفت،

the Tablets



وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ

و در صحیفه آن تورات هدایت و رحمت الهی بود  
whose text contained guidance and mercy

۱۵۴

لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ

بر آن گروهی که از (قهر) خدای خود می ترسند. (۱۵۴)  
for those who revere their Lord. (154)



# وَإِخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ ۖ

و موسی هفتاد مرد از قوم خود  
**Moses chose his people,**

# سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا ۗ

برای وعده‌گاه ما انتخاب کرد،  
**seventy men, for an appointment with Us.**



فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ

پس چون لرزشی سخت (به جرم درخواست دیدن خدا به چشم) آنها را درگرفت، موسی

When the Tremor seized them, he said: "My Lord, even though You

لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ

گفت: پروردگارا، اگر مشیت نافذت تعلق گرفته بود که همه آنها و مرا هلاک کنی (کاش)

may have wished to wipe them out and myself (as well) earlier,



أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا

پیشتر (از این وعده) می کردی، آیا ما را به فعل سفیهان ما هلاک خواهی کرد؟  
are You wiping us out just because of what some fools among us

إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتَاكَ

این کار جز فتنه و امتحان تو نیست،  
have done? It is only Your manner of testing:



تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ

که به این امتحان هر که را خواهی گمراه

You let anyone You wish to, go astray by means of it,

و تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ

و هر که را خواهی هدایت می کنی،

and let anyone You wish, to be guided.



۱۳۳  
ز

أَنْتَ وَلِيُّنَا فَارْحَمْنَا وَارْحَمْنَا

تویی مولای ما، پس بر ما ببخش و ترحم کن،

You are our Patron, so pardon us and show us mercy;

وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ۱۵۵

که تویی بهترین آمرزندگان. (۱۵۵)

You are the best Pardoner. (155)





وَاکْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً ﴿۱۳۴﴾

و سرنوشت ما را هم در این دنیا و هم در عالم آخرت

Prescribe a fine thing for us in this world

وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ ﴿۱۳۵﴾

نیکویی و ثواب مقدر فرما، که ما به سوی تو بازگشته ایم.

and in the Hereafter; let us be guided towards You!"



قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ

خدا فرمود: عذابم را به هر که خواهم رسانم،

He said: "I afflict anyone I wish with My torment

وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

و رحمت من همه موجودات را فرا گرفته

while My mercy embraces everything;



فَسَاكُتِبُهَا لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ

و البته آن را برای آنان که راه تقوا پیش گیرند  
I shall prescribe it for those who do their duty,

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

و زکات می دهند  
pay the welfare tax,





وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

و به آیات ما می‌گروند حتم و لازم خواهیم کرد. (۱۵۶)

and who believe in Our signs, (156)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ

هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امی

those who follow the Messenger, the Unlettered Prophet



# الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ

که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست  
whom they will find written down for them

## فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

(نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته می یابند  
in the Torah and the Gospel.



يَاْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ

که آنها را امر به هر نیکویی

He commands them to be decent

وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

و نهی از هر زشتی خواهد کرد

and forbids them dishonor.



وَأَجِلْ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ

و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال،

He permits them wholesome things

وَيُحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ

و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند،

and prohibits them evil things,



وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ

و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده اند  
and relieves them of their obligation

وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

از آنان برمی دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می آورد).  
and the shackles which have lain upon them.





# فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ

پس آنان که به او گرویدند  
Those who believe in him,

# وَعَزَّوْهُ وَنَصَرُوهُ

و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند  
revere him and support him,



وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ

و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند  
and follow the Light which was sent down with him;

أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۱۵۷

آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند. (۱۵۷)  
those will be successful." (157)



قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ

(ای رسول ما به خلق) بگو که من بر همه شما

SAY: "Mankind, for all of you

إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي

جنس بشر رسول خدايم،

I am but a messenger from God [Alone],



لَهُ وَهُوَ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست،  
Who holds control over Heaven and Earth.

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ

هیچ خدایی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند،  
There is no deity except Him; He gives life and brings death.



# فَاعْمِنُوا بِاللَّهِ

پس باید ایمان به خدا آرید و هم به رسول او  
**Believe in God and His messenger,**

# وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي

پیغمبر امّی (که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته)  
**the Unlettered Prophet**



يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ

آن پیغمبری که بس به خدا و سخنان او ایمان دارد،  
**who himself believes in God [Alone] and His words:**

وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و پیرو او شوید، باشد که هدایت یابید. (۱۵۸)  
**follow him so you may be guided." (158)**



وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٍ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ

و جماعتی از قوم موسی هستند که به دین حق هدایت کنند

Out of Moses' folk [there grew] a nation who guided by means of the

وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

و به آن دین حکم و دادگری نمایند. (۱۵۹)

Truth and dealt justly by means of it. (159)



وَقَطَعْنَا لَهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا

و قوم موسی را به دوازده سبط منشعب کردیم که هر سبطی

We split them up into twelve tribes,

أُمَّمًا جَ وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ

طایفه‌ای باشند. و چون امت موسی

communities, and inspired Moses





إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمَهُ وَ

(در آن بیابان بی آب) از او آب طلبیدند  
when his people asked for water:

أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ز

به موسی وحی کردیم که عصای خود را بر سنگ زن،  
"Strike the rock with your staff."



فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا

پس دوازده چشمه آب از آن سنگ جوشید و جاری شد،

Twelve springs gushed forth from it.

قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ

هر قبیله آبشخور خود را دانستند.

Each set of people knew its own drinking-place.



وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ

و ما به واسطه ابر بر سر آنها سایه افکندیم

We shaded them with clouds

وَآنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ

و نیز بر آنها منّ و سلوی (مرغ و ترنجبین) فرستادیم (تا تغذیه کنند،

and sent down manna and quail for them:



كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

و گفتیم) از قوتِ لذیذ و پاکیزه‌ای که روزیتان کردیم تناول کنید.

"Eat some of the wholesome things which We have supplied you with."

وَمَا ظَلَمُونَا

و آنها نه بر ما

Yet they did not harm Us,





وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

بلکه بر خویش ستم می کردند. (۱۶۰)

but they themselves were the persons whom they harmed. (160)

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ

و چون به قوم موسی امر شد که در این شهر (بیت المقدس) مسکن کنید

When they were told: "Settle down in this town



وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ

و از هر چه خواستید از طعامهای این شهر تناول کنید  
and eat wherever you wish in it,

وَقُولُوا حِطَّةٌ

و در دعا بگویید که پروردگارا، گناهان ما را بریز،  
and say: 'Relieve [us]!'



# وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا

و به این در، به تواضع و سجده درآیید  
**Enter the gate [walking] on your knees.**

# نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ

تا از خطاهای شما درگذریم،  
**We will forgive you your mistakes;**





# سَتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

که ما نیکوکاران را فزون تر احسان می کنیم. (۱۶۱)

We will give even more to those who act kindly," (161)

# فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ

آن گاه ستمکاران آنها این امر

those among them who did wrong changed the statement





قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ

و گفتاری را که به آنها گفته شده بود به گفتار دیگری تبدیل کردند،  
into something else than what had been told them;

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ

ما هم به کیفر مخالفت و ستمکاری بر آنها از آسمان  
so We sent a plague from Heaven upon them



# بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ<sup>ع</sup>

۱۶۲

عذابی سخت فرود آوردیم. (۱۶۲)

because of how wrong they had been acting. (162)

## وَسَأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ

و (ای رسول ما) بنی اسرائیل را از آن قریه

Ask them about the town



# حَاضِرَةٌ الْبُحْرِ إِذْ يَعْدُونَ

که در ساحل دریا بود (دهِ اَیْلَه و مَدَیْن) بازپرس آن گاه که  
**which lay facing the sea, when they broke**

# فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيَتَانِهِمْ

از حکم (تعطیل روز) شنبه تجاوز کردند، آن گاه که (برای امتحان)  
**the Sabbath. Their fish came to them swimming on the surface**



# يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا

به روز شنبه ماهیان در مشارع پیرامون دریا  
on their Sabbath Day,

# وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ

پدیدار شده و در غیر آن روز اصلا پدید نمی آمدند.

while any day they did not cease work, it did not come to them.



# كَذٰلِكَ نَبْلُوهُمْ

بدین گونہ ما آنان را

Thus We tested them

# بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

به سبب فسق و نافرمانی آزمایش می کردیم. (۱۶۳)

since they had been acting so immorally. (163)



وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ

و چون (پند و موعظه ناصحین در آنها اثری نکرد) جمعی از آن گروه گفتند:

Whenever a community among them said:

لِمَ تَعْظُونَ قَوْمًا أَلَّهِ مَهْلِكُهُمْ

چرا قومی را که از جانب خدا به هلاک و یا به عذاب سخت محکومند

"Why do you lecture a folk whom God will destroy anyhow,



أَوْ مَعَذِبِهِمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۚ قَالُوا

باز موعظه می‌کنید؟ ناصحان گفتند: پند ما معذرت (و اتمام حجت) است  
 or [at least] punish them severely?" they said: "To gain absolution

مَعَذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ ۚ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾

از جانب پروردگارتان، و دیگر آنکه شاید (اثر کند و) تقوا پیشه کنند. (۱۶۴)  
 from your Lord, and so they may do their duty." (164)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ

و چون هر چه به آنها تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند  
 When they forgot what they had been reminded of,

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

ما هم آن جماعت را که از کار بد منع می نمودند نجات بخشیدیم  
 We rescued those who had forbidden evil while We seized





# وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ

و آنان را که ظلم و ستمکاری کردند

those who were doing wrong with dreadful torment

# بِئْسَ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۱۶۵

به کیفر فسقشان به عذابی سخت گرفتار کردیم. (۱۶۵)

because they had been acting so immorally. (165)



فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ

پس چون سرکشی و تکبر کرده و آنچه ممنوع بود مرتکب شدند به آنها گفتیم

When they became insolent about what had been forbidden them,

قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾

به شکل بوزینه شوید و بسی دور و بازمانده از رحمت خدا باشید. (۱۶۶)

We told them: "Become apes who will be chased away." (166)



وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى

و آن گاه که خدای تو اعلام نمود که تا روز قیامت

So your Lord announced that He would send someone against them

يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ط

کسی را به عقوبت و عذاب سخت بر آنها برانگیزد،

who would impose the worst torment on them until Resurrection Day. 🌊

إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ

که پروردگار تو همانا زود کیفر کننده (ستمکاران)

Your Lord is Prompt with punishment,

وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

و (به خلق) بسیار بخشنده و مهربان است. (۱۶۷)

while He is (also) Forgiving, Merciful. (167)



وَقَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا ز

و بنی اسرائیل را در روی زمین به شعبی متفرق ساختیم،

**We split them up into nations (that exist) on earth.**

مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ ز

بعضی از آنها صالح و درستکارند و برخی فروتر از آنان (در درجه و منزلت)،

**Some of them are honorable while some of them are otherwise.** 

وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ

و آنها را به خوشی ها و ناخوشی ها بیازمودیم،

We have tested them with fine things and evil things

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۱۶۸

باشد که (به حکم حق) بازگردند. (۱۶۸)

so they might repent. (168)



# فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ

پس از آنکه پیشینیان‌شان درگذشتند اخلاف و بازماندگان‌شان

**Successors replaced them afterward**

# وَرِثُوا الْكِتَابَ

وارث کتاب آسمانی شدند

**who inherited the Book,**



يَا خُذُونْ عَرَضَ هَذَا الْاَدْنَىٰ

در حالی که متاع پست این دنیا را برمی‌گزینند

taking on the show of this lowly place

وَيَقُولُونَ سَيَغْفِرُ لَنَا

و گویند ما بخشیده خواهیم شد،

and saying: "It will be forgiven us."





# وَإِن يَأْتِهِمْ

و چنانچه مثل آن مال از متاع دنیا که یافتند

**If a show like it**

# عَرَضٌ مِّثْلَهُ وَيَأْخُذُوهُ

باز (از هر راه حرام و خیانت) بیابند برگیرند.

**were given them (again), they would accept it.**



أَلَمْ يُوَخِّدُوا عَلَيْهِمْ مِيثَاقَ الْكِتَابِ

آیا از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشد که به خدا

Was not an agreement concerning the Book accepted by them:

أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ

جز حرف حق و سخن راست نسبت ندهند

that they would tell nothing but the Truth about God?



وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ط

و آنچه در کتاب است درس گیرند؟

They studied what was in it.

وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ج

و منزل ابدی آخرت برای مردم پرهیزکار بسی بهتر است،

A home in the Hereafter is better for those who do their duty-





# أَفَلَا تَعْقِلُونَ

آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۶۹)

do they not use their reason? (169)

# وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ

و آنان که متوسل به کتاب آسمانی شوند

As for those who hold onto the Book



# وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

و نماز به پا دارند،  
and keep up prayer-

إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ۱۷۰

ما اجر درستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت. (۱۷۰)  
We shall never forfeit reformers' wages. (170)



وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ 

و آن گاه که کوه طور را از جای برکندید و مانند قطعه ابری

Thus We suspended the Mountain over them as if

كَانَهُمْ ظِلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ

بر فراز سر آنها برآوردیم که پنداشتند بر آنها فرو خواهد افتاد

it were an awning, and they thought it was going to fall down on them: 

خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ

(و امر کردیم) دستور توراتی که به شما آمد با قوت (ایمان و عقیده محکم) اخذ

"Hold on firmly to anything We have given you

وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

۱۷۱

کنید و آنچه در آن مذکور است متذکر شوید، باشد که پرهیزکار شوید. (۱۷۱)

and remember what is in it, so that you may do your duty!" (171) 

وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ

و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم  
When your Lord took their offspring from

مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

ذُرِّيَّةً أَنَّهُا رَا بَرَّغَرَفَت

the Children of Adam's loins,





وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ

و آنها را بر خودشان گواه ساخت

and made them bear witness about themselves:

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا

که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی، ما گواهی دهیم.

"Am I not your Lord?"; they said: "Of course, we testify to it!"



# أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

(و ما این گواهی گرفتیم) که دیگر در روز قیامت نگویید:  
lest you (all) might say on Resurrection Day:

إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ۱۷۲

ما از این واقعه غافل بودیم. (۱۷۲)  
"We were unaware of this;" (172)



أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا

یا آنکه نگویید که منحصرأ پدران ما

or lest you say: "It was only our forefathers who associated

مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ

به دین شرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم،

[others with God] previously; we are offspring following them.



# أَفْتُهُلِكُنَا

آیا به عمل زشت اهل باطل

Will You wipe us out

بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ

۱۷۳

ما را به هلاکت خواهی رسانیدی؟ (۱۷۳)

because of what futile men have done?" (173)



# وَكَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ

و بدین گونه ما آیات خود را تفصیل می دهیم (تا آیات ما را بفهمند)

**Thus We spell out signs**

وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۱۷۴

و باشد که بازگردند. (۱۷۴)

**so that they may repent. (174)**



# وَآتُلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي

و بخوان بر این مردم (بر قوم یهود) حکایت آن کس (بلعم باعور) را  
**Recite news to them about someone to whom**

# ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا

که ما آیات خود را به او عطا کردیم،  
**We gave Our signs.**



فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ

و او از آن آیات بیرون رفت و شیطان او را تعقیب کرد  
 He slipped away from them, so Satan followed him

فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ۱۷۵

تا از گمراهان عالم گردید. (۱۷۵)  
 and he became misguided. (175)



وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ

و اگر می خواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می بخشیدیم، لیکن  
 If We had so wished, We might have raised him up by means of them,

أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ

او به زمین (تن) فروماند و پیرو هوای نفس گردید،  
 but he clung to the earth and followed his own whim.





فَمَثَلُهُ <sup>و</sup> كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْهُ

و در این صورت مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر

He might be compared to a dog: no matter how you drive him off, he

عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ <sup>ج</sup>

بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد.  
just pants away. Or if you leave him alone, he still pants on.



# ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ

این است مثل مردمی که آیات ما را

**That is what folk who reject**

# كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

بعد از علم به آن تکذیب کردند.

**Our signs are like;**



# فَاَقْصِ الْقَصَصَ

پس این حکایت بگو،

tell such stories



# لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

باشد که به فکر آیند. (۱۷۶)

so they may think things over. (176)



سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

مَثَلِ حَالِ گروهی که آیات ما را تکذیب کردند

How evil is the comparison of folk who reject Our signs;

وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ

و به خویش ستم می کردند بسیار بد مثلی است. (۱۷۷)

it is their own souls they hurt! (177)



مَنْ يَهْدِ اللهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ

هر که را خدا هدایت فرماید هم اوست که هدایت یافته، و آنها را که  
**Anyone whom God guides has been (really) guided;**

يُضِلُّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

به گمراهی واگذارد، هم آنان زیانکاران عالمند. (۱۷۸)

**while those He lets go astray will be the losers. (178)**



وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا

و محققاً بسیاری از جن و انس را

**We have bred many sprites**

مِنَ الْجِبْرِ وَالْإِنْسِ

برای جهنم آفریدیم،

**and humans for Hell:**



لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا

چه آنکه آنها را دل‌هایی است بی ادراک و معرفت،  
they have hearts they do not understand with,

وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا

و دیده‌هایی بی نور و بصیرت،  
and eyes they do not see with,



وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا

و گوشهایی ناشنوی حقیقت،

and ears they do not hear with. Those persons are

أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ

آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند،

like livestock; in fact, they are even further off the track,





أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ۱۷۹

آنها همان مردمی هستند که غافل اند. (۱۷۹)  
they are so heedless! (179)

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا

و خدا را نیکوترین نامهاست، بدانها خدا را بخوانید،  
God has the Finest Names, so appeal to Him by name



وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ

و آنان را که در نامهای او به انحراف می‌گیرند به خود واگذارید،  
and leave those who blaspheme against His names alone;

سَيَجْزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

که به زودی کردار بدشان را مجازات خواهند دید. (۱۸۰)

they will be rewarded for whatever they have been doing. (180)



وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ

و از خلقی که آفریده ایم فرقه‌ای به حق هدایت می‌کنند

Some of those whom We have created form a nation which guides [men]

وَبِهِ يَعْدِلُونَ



و به حق حکم و دادگری می‌کنند. (۱۸۱)

by means of the Truth, and because of it they act justly. (181)



# وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند

**We shall gradually bring those who reject Our signs**

# سَنَسْتَدْرِجُهُم

به زودی آنها را به عذاب و هلاکت می افکنیم

**from a place**



۱۸۲ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

از جایی که فهم آن نکنند. (۱۸۲)  
they do not recognize. (182)

۱۸۳ وَأَمْلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ

روزی چند به آنها مهلت دهیم، که همانا مکر و عقاب من بس شدید است. (۱۸۳)  
I shall let them go on, for My scheme is sure. (183)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ

آیا این مردم فکر نکردند که صاحب آنها (یعنی پیامبر) هرگز جنونی در او

Have they not thought things over? There is no madness

مِنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۸۴

نیست؟ او فقط ترسانندهٔ خلق است (از احوال قیامت) به بیانی روشن. (۱۸۴)

in their companion; he is merely a plain warner. (184)



أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ

آیا فکر و نظر در ملکوت آسمانها و زمین

Have they not observed in the sovereignty over Heaven

وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ

و در هر چه خدا آفریده نکردند

and Earth and whatever God has created of any sort,



وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ

و در این که اجل و مرگ آنها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شده باشد؟  
that perhaps their deadline may be approaching?

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

۱۸۵

پس به چه حدیثی بعد از این (کتاب مبارک آسمانی) ایمان خواهند آورد؟ (۱۸۵)  
In what report will they believe later on? (185)





مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ

هر که را خدا گمراه خواست هیچ کس رهنمای او نباشد، و چنین گمراهان  
 Anyone whom God lets go astray will have no guide;

وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

را خدا در طغیان و سرکشی خود به حیرت و ضلالت واگذارد. (۱۸۶)  
 He leaves them groping along in their arrogance. (186)



# يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

(ای رسول ما) از تو احوال و ساعت قیامت را سؤال خواهند کرد

**They may ask you about the Hour:**

# آيَاتٍ مُّرْسِلَاتٍ

که چه وقت فراخواهد رسید؟

**"When will it arrive?"**



قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي

پاسخ ده که علم آن منحصر نزد ربّ و خدای من است،  
**SAY: "Knowledge about it rests only with my Lord;**

لَا يُجَلِّيْهَا لَوْ قَتَبَتْهَا إِلَّا هُوَ

کسی به جز او آن را به هنگامش آشکار نکند،  
**He Alone will disclose its time.**



# تَقُلَّتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ج

(شأن) آن ساعت در آسمانها و زمین بسی سنگین و عظیم است،

Things will seem heavy in Heaven and Earth;

# لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً ط

نیاید شما را مگر ناگهانی.

it will simply come upon you all of a sudden!"



# يَسْأَلُونَكَ

از تو می پرسند  
They will even ask you

# كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا

گویی تو کاملاً بدان آگاهی.  
as if you yourself were anxious about it.



قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ

بگو: علم آن ساعت محققاً نزد خداست،

SAY: "Knowledge about it rests only with God,

۱۸۷

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

لیکن اکثر مردم آگاہ نیستند. (۱۸۷)

though most people do not realize it." (187)



قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا

بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم

SAY: "I control no advantage nor any disadvantage by myself

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

مگر آنچه خدا خواسته،

except whatever God may wish.



وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ

و اگر من از غیب (جز آنچه به وحی می دانم) آگاه بودم  
**If I had known the Unseen,**

لَأَسْتَكْثِرَ مِنَ الْخَيْرِ

بر خیر و نفع خود همیشه می افزودم  
**I would have tried to increase [my share] of good,**





وَمَا مَسَّنِيَ السُّوْءُ إِنِّ أَنَا

و هیچ‌گاه زیان و رنج نمی‌دیدم، من نیستم  
while no evil would ever touch me. I am merely

إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

مگر رسولی ترساننده، و بشارت دهنده گروهی که اهل ایمانند. (۱۸۸)  
a warner and newsbearer for people who believe." (188)



هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ 

اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید

He is the One Who has created you (all) from a single soul,

وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا 

و از (نوع) او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد،

and made its mate from it, so he may settle down with her. 

# فَلَمَّا تَغَشَّهَا

و چون با او خلوت کرد  
Once he has covered her,

# حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَامْرَتْ بِهِ

باری سبک برداشت، پس با آن بار حمل، چندی بزیست  
she conceives a light burden and walks around [unnoticed] with it; 

فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا

تا سنگین شد، آن گاه هر دو خدا و پروردگار خود را خواندند  
 then when she begins to feel heavy, they both appeal to God,

لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا

که اگر به ما فرزندی صالح (و تندرست) عطا کردی  
 their Lord: "If You will grant us a healthy [child],





# لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

البته از شکرگزاران خواهیم بود. (۱۸۹)

**we will be grateful." (189)**

# فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا

پس چون به آن پدر و مادر فرزندی صالح (و تندرست) عطا کرد مشرک شدند

**Once He gives them a healthy child,**



جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا ءَاتَاهُمَا

و برای خدا در آنچه به آنها عطا کرد شریک قرار دادند (یعنی فرزندان خود را به نام بتها نامیدند  
they both set up associates for Him despite what He has given them.

فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مثل عبداللات و عبدالعزی، و خدای تعالی برتر است از آنچه شریک او سازند. (۱۹۰)

Exalted is God over anything they may associate [with Him]! (190)

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا

آیا این چیزهایی را که هیچ موجود را خلق نتوانند کرد و خود مخلوق (خدا)

Do they associate something [with God] that has never created

وَهُمْ يَخْلُقُونَ

۱۹۱

هستند شریک خدا قرار می دهند؟ (۱۹۱)

anything, while they themselves have been created? (191)



وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا

در صورتی که آنها نه هرگز به مشرکان  
They cannot offer them any support

وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

۱۹۲

و نه به خود یاری توانند کرد. (۱۹۲)  
nor can they even assist themselves! (192)





وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى

و اگر آنها را (یعنی بت پرستان را) به راه هدایت بخوانید

**If you summon them to guidance,**

لَا يَتَّبِعُوكُمْ

پیروی شما (مؤمنان) نخواهند کرد،

**they will not follow you;**



سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ

بر شما یکسان است که آنها را بخوانید

it is the same for you whether you appeal to them

۱۹۳

أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ

یا خاموش بمانید. (۱۹۳)

or keep silent: (193)



# إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ

غیر خدا هر آن کس را که شما (مشرکان و یهود و نصاری) به خدایی می خوانید  
**"Those you appeal to instead of**

# مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالَكُمْ

(مانند بتان و عیسی و عَزِیر و غیره) به حقیقت همه مثل شما بندگانی هستند،  
**to God are servants just like yourselves.**



فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ

اگر راستگویند آنها را بخوانید تا مشکلات

Appeal to them so they may respond to you

۱۹۴

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و حوائج شما را روا کنند. (۱۹۴)

if you are so truthful! (194)



اللَّهُمَّ ارْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا

آیا آن بتان را پایی است که راهی پیمایند

Have they feet to walk with,

أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا

یا دستی که از آستین قدرت بیرون آرند،

or hands to grasp things with,



اَمْ لَهِمْ اَعْيُنٌ يَبْصُرُونَ بِهَا

یا چشم و گوش  
or eyes to see with,

اَمْ لَهِمْ اُذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

که به آن بینند و بشنوند؟  
or ears to listen with?"



# قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ

بگو: شریکان (باطل) خود را بخوانید و هر حیل

**SAY: "Appeal to your associates [instead of to God];**

# ثُمَّ كِيدُونَ فَلَا تُنظِرُونَ

۱۹۵

که با من می‌توانید به کار برید بی‌آنکه هیچ مرا مهلت بدهید. (۱۹۵)

**then plot away against me, and do not wait for me [to act]! (195)**



۲۲۹  
ز

إِنَّ وِلِيَّيَ اللّٰهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ

مرا دوست و یاور، به حقیقت خدایی است که این کتاب (قرآن) را فرستاده  
My Patron is God [Alone], who has sent down the Book.

وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ۱۹۶

و اوست که نیکوکاران را دوستی و سرپرستی می کند. (۱۹۶)  
He befriends the honorable (196)





وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

و آنهایی را که شما خدا می خوانید جز خدای یکتا  
while those you appeal to instead of Him

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ

هیچ یک قدرت بر یاری شما  
cannot lend you any support





وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

بلکه بریاری خود ندارند. (۱۹۷)

nor do they even support themselves. (197)

وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا

و اگر آنها را به راه هدایت خوانید نخواهند شنید (یعنی بتان چون گوش و بت پرستان

If you summon them to guidance, they will not hear,



وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ

چون هوش ندارند دعوت اسلام را نپذیرند. وای رسول مایای اهل عقل و بینش) تو می بینی  
and you will see them looking towards you

۱۹۸

وَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ

که آنها (بتان یا بت پرستان) در تو می نگرند ولی نمی بینند. (۱۹۸)  
while they are [really] not seeing [anything]." (198)



# خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ

طریقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن

**Practise forgiveness, command decency;**

# وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

۱۹۹

و از مردم نادان روی بگردان. (۱۹۹)

**and avoid ignorant people. (199)**



وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

و چنانچه بخواهد از طرف شیطان (انس و جن) در تو وسوسه  
**If some urge from Satan should prompt you,**

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

و جنبشی پدید آید، به خدا پناه بر  
**seek refuge with God;**



إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ  
 ۲۰۰

که او به حقیقت شنوا و داناست. (۲۰۰)

He is Alert, Aware. (200)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا

چون اهل تقوا را

The ones who perform their duty bear it in mind



إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ

از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرا رسد همان دم  
whenever some impulse from Satan bothers them,

۲۰۱

تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

خدا را به یاد آرند و همان لحظه بصیرت و بینایی پیدا کنند. (۲۰۱)  
and so they are granted insight. (201)



وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ

و مشرکان را برادرانشان (یعنی شیاطین انس و جن) به راه ضلالت  
**Their brethren will trail off into aimlessness;**

ثُمَّ لَا يَقْصِرُونَ

و گمراهی می کشند و هیچ کوتاهی نمی کنند. (۲۰۲)  
**therefore do not interfere with them. (202)**





# وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ

و هر زمان که تو آیتی بر آنها نیاوری  
**If you had not brought them any sign,**

# قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا

بر تو اعتراض کنند که چرا آیتی فراهم نساختی؟  
**they would (still) say: "Why didn't you pick one out?"**



قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ

بگو: من تنها پیروی از آنچه از خدایم

SAY: "I follow only what has been inspired

إِلَىٰ مِنْ رَبِّي

به من وحی رسد خواهم کرد،

in me by my Lord.



# هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ

این آیات قرآن است مایه بصیرت‌هایی از جانب پروردگار شما

These are insights from Your Lord,

وَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و هدایت و رحمتی برای گروهی که ایمان آورند. (۲۰۳)

as well as guidance and mercy for folk who believe." (203)



وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ

و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید

Whenever the Qur'an is being recited, listen to it [attentively]

وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و سکوت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید. (۲۰۴)

and hush, so that you may receive mercy. (204)



وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ

خدای خود را

Keep your Lord in mind within your own soul,

تَضَرَّعًا وَ خِيفَةً

با تضرّع و پنهانی

beseeking and fearfully,



# وَدُونَ الْجُمْهُرِ مِنَ الْقَوْلِ

و بی آنکه آواز برکشی،

without raising your voice,

# بِالْغَدْوِ وَالْأَصَالِ

در صبح و شام یاد کن

both in the early morning and in the evening;





# وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ

و از غافلان مباش. (۲۰۵)

do not act so heedless! (205)

## إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ

آنان (یعنی ارواح و فرشتگانی) که در حضور پروردگار تو اند،

Those who are with your Lord



# لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ

هیچ گاه از بندگی او سرکشی نکنند

do not feel too proud to worship Him; they glorify Him

وَيَسْبِغُونَ لَهُ وَيَسْجُدُونَ ۚ

و پیوسته به تسبیح و تنزیه ذات احدیت و به سجده او مشغولند. (۲۰۶)

and drop down on their knees before Him. (206)





﴿ سُورَةُ الْأَنْفَالِ ﴾

سوره ۸ - ۷۵ آیه - مدنی

Surah 8: (Al-Anfal)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ ۗ

(ای رسول ما) امت از تو حکم انفال را سؤال کنند

**They will ask you about Booty.**

# قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ ۗ

جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است

**SAY: "Booty belongs to God and the Messenger,**



# فَاتَّقُوا اللَّهَ

پس شما مؤمنان باید از خدا بترسید

so heed God

# وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ

و در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بکوشید

and patch up any [differences] that may stand between you.



وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

و خدا و رسول او را اطاعت کنید  
Obey God and His messenger

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

اگر اهل ایمانید. (۱)

if you are believers." (1)



# إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

مؤمنان حقیقی آناند که

**Believers are merely**

# إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

چون ذکرى از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود

**those whose hearts feel wary whenever God is mentioned**



وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ وَزَادَتْهُمْ

و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کند بر مقام ایمانشان  
and whose faith increases when His verses are recited

إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾

بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می کنند. (۲)  
to them. On their Lord do they rely. (2)



# الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

آنان که نماز را به پا می دارند

Those who keep up prayer

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۳

و از هر چه روزی آنها کرده ایم انفاق می کنند. (۳)

and spend some of whatever We have provided them with (3)



أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

آنها به راستی و حقیقت اهل ایمانند  
are truly believers.

لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ

که نزد خدا مراتب بلند  
They hold rank before their Lord,





# وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ



و آمرزش و روزی نیکو دارند. (۴)

as well as forgiveness and generous provision, (4)

## كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ

همان گونه که خدا تو را از خانه خود به حق (در جنگ بدر) بیرون آورد

just as your Lord sent you forth from your home with the Truth,



# وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

و گروهی از مؤمنان، سخت رأی خلاف  
**even though a group of believers**

# لَكَارِهُونَ



و کراهت اظهار کردند. (۵)  
**disliked it. (5)**



# يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ

(مردم نادان) در حکم حق با آنکه حق آشکار و روشن گردید با تو جدل و نزاع خواهند  
**They will argue with you about the Truth even after it has been explained,**

# كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ

کرد (و چنان حکم حق و طاعت خدا بر آنها دشوار و سخت است) که گویی معاینه می نگرند  
**just as if they were only being driven along towards death**

# وَهُمْ يَنْظُرُونَ

۶

که آنها را به جانب مرگ می کشند. (۶)  
and were expecting it. (6)

## وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ

به یاد آر هنگامی که خدا به شما وعده فتح بر یکی از دو طایفه را می داد  
When God promised you that one of the two bands

# أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُونَ

(غلبه بر سپاه قریش یا کاروان تجاری شام) و شما مسلمین مایل بودید  
**would be yours, you preferred**

# أَنَّ غَيْرِ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ

که آن طایفه که شوکت و سلاحی همراه ندارند نصیب شما شود،  
**the one that had no weapons [to fall] to you,**



وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ

و خدا می خواست که حق را با سخنان خود (که وعده پیروزی حق را داده است)  
**while God wanted the Truth to be verified through His words**

وَيَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾

ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشه کافران را برکند. (۷)  
**and to cut off the last remnant of the disbelievers (7)**



# لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ

تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد  
 so He might verify the Truth and disprove falsehood



# وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

هر چند بدکاران را خوش نیاید. (۸)

no matter how criminals might dislike it. (8)



إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ

(به یاد آرید) هنگامی که استغاثه و زاری به پروردگار خود می کردید،

Thus you (all) implored your Lord,

فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ

پس دعای شما را اجابت کرد که من سپاهی منظم

so He responded to you: "I will reinforce you







# بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ

از هزار فرشته به مدد شما می فرستم. (۹)

with a thousand angels riding up one after another." (9)

# وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى

و این مدد فرشتگان را خدا نفرستاد مگر آنکه بشارت و مژده فتح باشد

God granted it merely as good tidings



وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ ج

و تا دل‌های شما (به وعده خدا) مطمئن شود  
to calm your hearts.

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ج

و (بدانید که) نصرت و فیروزی نیست مگر از جانب خدا،  
Support comes only from God;



# إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

ع ۱۰

که خدا را کمال قدرت و حکمت است. (۱۰)

God is Powerful, Wise. (10)

# إِذْ يُغَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ

(یاد آرید) هنگامی که خواب راحت را بر شما فرو پوشاند برای اینکه

Thus He caused drowsiness to overcome you as an assurance from Him,

وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

از جانب او ایمنی یابید و از آسمان آبی می فرستاد که شما را  
and sent down water from the sky on you

لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ

به آن آب، پاک گرداند  
to cleanse you with



وَيُذْهِبَ عَنْكُمُ رِجْزَ الشَّيْطَانِ

و وسوسه و کید شیطان را از شما دور سازد  
and to remove Satan's blight from you,

وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ

و دل‌های شما را محکم و استوار گرداند  
and to bind up your hearts



# وَيُثَبِّتْ بِهِ الْأَقْدَامَ ۝۱۱

و گامهای شما را استوار بدارد. (۱۱)  
and brace your feet with it. (11)

## إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ

(و یاد آر ای رسول) آن گاه که پروردگار تو، به فرشتگان وحی کرد  
So your Lord inspired the angels:



أَنَا مَعَكُمْ

که من با شمایم،  
"I am with you,

فَتَبَتُوا الَّذِينَ  
ءَامَنُوا ج

پس مؤمنان را ثابت قدم بدارید،  
so brace those who believe.



# سَأَلِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ

که همانا من ترس در دل کافران

I shall cast panic into the hearts of

# كَفَرُوا الرُّعْبَ

می افکنم،

those who disbelieve;





فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ

پس گردنها را بزنید

so strike at the nape of their necks

وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بِنَانٍ ۱۲

و همه انگشتان را قطع کنید. (۱۲)

and beat every [last] fingertip of theirs!" (12)



ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ

این کیفر کافران برای آن است که

That is because

شَاقُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ وَج

با خدا و رسول او سخت ضدیت و مخالفت کردند

they have split off from God and His messenger.



وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

و هر کس با خدا و رسول او راه شقاق و مخالفت پیماید  
**Anyone who splits off from God and His messenger**

فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

(بترسد که) عقاب خدا بسیار سخت است. (۱۳)

[will find out] that God is Stern in punishment. (13)



# ذٰلِكُمْ فَذُوقُوْهُ

این (عذاب مختصر قتل و اسارت) را بچشید و (بدانید که)

**That is [how it is], so taste it;**

وَ اَنْ لِّلْكَافِرِيْنَ عَذَابُ النَّارِ ۱۴

برای کافران در قیامت عذاب سخت آتش دوزخ مهیاست. (۱۴)

**disbelievers will have fiery torment! (14)**



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
ءَامَنُوا

ای اهل ایمان،

You who believe,

إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ  
كَفَرُوا زَحَفًا

هر گاه با گروه مهاجم کافران در میدان کارزار روبرو شوید

whenever you meet those who disbelieve,



# فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْاَدْبَارَ ۱۵

مبادا پشت به آنها کرده و از جنگ بگریزید. (۱۵)

do not turn your backs on them as they go marching along. (15)

## وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دِبْرَهُ

و هر که در روز جنگ به آنها پشت نماید و فرار کند

Anyone who turns his back on them on such a day,



# إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ

به طرف غضب و خشم خدا روی آورده  
**except while manoeuvring for battle**

# أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِئَةٍ

و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل است خواهد بود  
**or wheeling towards some detachment,**



فَقَدْ بَاءَ بِغَضِبٍ مِّنَ اللَّهِ

مگر آنکه از میمنه به میسره و یا از قلب به جناح  
will incur wrath from God; his lodging

وَمَا أُوْدَهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۱۶

برای مصالح جنگی رود یا از فرقه‌ای به یاری فرقه‌ای دیگر شتابد. (۱۶)  
will be Hell and how awful is such a goal! (16)





فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ

(ای مؤمنان) نه شما

**You (all) do not kill them**

وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ

بلکه خدا کافران را کشت

**but God kills them.**



وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ

و (ای رسول) چون تو تیر (یا خاک) افکندی نه تو  
 You did not shoot [anything]

وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ

بلکه خدا افکند (تا کافران را شکست دهد)  
 when you shot [arrows or spears] but God threw [them]



۲۸۰  
ج

وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا

و برای آنکه مؤمنان را به آزمونی نیکو از سوی خود بیازماید،  
so He may test believers, as a handsome test from Himself.

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱۷

که خدا شنوا و داناست. (۱۷)

God is Alert, Wise. (17)



# ذِكْرُكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ

این (فتح و غلبه در جنگ به خواست خدا) شما را نصیب شد

That is [how it is]; since God is the One

# مُوهِنِ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ۱۸

و محققاً خدا بی اثر کننده مکر کفار است. (۱۸)

Who will frustrate the disbelievers' plot. (18)



اِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ

(ای کافران) اگر شما از خدا فتح و نصرت می طلبید اینک فتح کامل شما را رسید،

If you sought to conquer, then victory has already come to you.

وَ اِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

اکنون اگر (از کفر و عناد با حق) دست بردارید شما را بهتر است

Yet if you would only stop, it would be better for you;



وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِي عَنْكُمْ

و اگر دیگر بار بازآید ما هم شما را باز کیفر و عذاب کنیم  
 while if you do it over again, We too shall do so again. Your

فِتْنَتِكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ

و هرگز جمعیت و سپاه شما هر چند بسیار باشد شما را سودمند نخواهد بود،  
 detachment will not give you any advantage no matter how numerous it is.

# وَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۱۹

و خدا البته با اهل ایمان است. (۱۹)  
**God stands alongside believers. (19)**

## يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،  
**You who believe,**



أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

خدا و رسول را اطاعت کنید  
obey God and His messenger;

وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

و از او سرنپیچید در حالی که شما (سخنان حق را) می شنوید. (۲۰)  
do not turn away from Him while you are within earshot. (20)





وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا

و شما مؤمنان چون کسانی (منافقان) نباشید که گفتند شنیدیم،

**Do not be like those who say: "We have heard,"**



وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

و به حقیقت نمی شنوند. (۲۱)

**while they were not even listening. (21)**



# إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ

بدترین جانوران نزد خدا

The worst animals before God

# عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ

کسانی هستند که (از شنیدن و گفتن حرف حق) کرو لالند

are the deaf and dumb, those who



# لَا يَعْقِلُونَ

۲۲

که اصلاً تعقل نمی کنند. (۲۲)

do not use their reason. (22)

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ

اگر خدا در آنها خیر و صلاحی می دید آنها را شنوا می کرد

If God had known about any good in them, He would have made



وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا

و اگر هم شنوا کند باز رو گردانند

them hear; yet even though He were to make them hear,

وَهُمْ مُعْرِضُونَ

۲۳

و اعراض کنند. (۲۳)

they would still turn away and shun [Him]. (23)



۲۹۰  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ

ای اهل ایمان، چون خدا و رسول، شما را به آنچه مایهٔ حیات ابدی  
You who believe, respond to God and the Messenger

وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

شماست (یعنی ایمان) دعوت کنند اجابت کنید  
whenever He invites you to something that will make you live.



وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ

و بدانید که خدا در میان شخص و قلب او حایل می شود (و از اسرار درونی

**Know that God slips in between a man and his heart,**

وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَىٰ تَحْشُرُونَ

همه آگاه است) و همه به سوی او محشور خواهید شد. (۲۴)

**and to Him you will (all) be summoned. (24)**



وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ

و بترسید از بلایی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما

**Do your duty lest dissension strike those of**

ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً

نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد)

**you especially who do wrong.**



# وَاعْلَمُوا

و بدانید که

Know


 أَنْ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

عقاب خدا بسیار سخت است. (۲۵)

that God is Severe in punishment. (25)





وَإِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا

و به یاد آرید زمانی که عدۀ قلیلی بودید

Remember when you were so few,

مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ

که شما را ضعیف و خوار در زمین (مکه) می شمردند

disdained as helpless souls on earth,



تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ

و از مردم (مشرک) بر خود ترسان بودید که مبادا شما را (از روی زمین) برچینند،  
**fearing lest men would kidnap you,**

فَأَوْكُمُ وَإَيْدِكُمْ بِنَصْرِهِ

بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت  
**and how He sheltered you and aided you with His support,**



# وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ

به شما عطا کرد و از پاکیزه‌ترین (غنائم و) طعامها روزی شما فرمود،  
and provided you with wholesome things



# لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

باشد که شکر به جای آرید. (۲۶)  
so that you might act grateful. (26)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا

ای کسانی که ایمان آوردید،

You who believe,

لَا تَخُونُوا  
اللَّهَ وَالرَّسُولَ

زنهار (در کار دین) با خدا و رسول

do not betray God and the Messenger,



وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ

و در امانتهای خود با یکدیگر خیانت مکنید  
nor knowingly betray

۲۷

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

در صورتی که می دانید. (۲۷)  
your own trusts. (27)



وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ

و محققاً بدانید که شما را اموال و فرزندان،  
**Know that your possessions and children**

وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

فتنه و ابتلایی بیش نیست  
**are merely a trial,**



وَأَنَّ اللَّهَ

و در حقیقت  
while God

عِنْدَهُ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۲۸

اجر عظیم نزد خداست. (۲۸)  
holds a splendid wage. (28)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
ءَامَنُوا

ای اهل ایمان، اگر خداترس و پرهیزکار شوید خدا به شما فرقان بخشد  
You who believe,

إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ  
يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا

(یعنی دیده بصیرت دهد تا به نور باطن، حق را از باطل فرق گذارید)  
if you heed God, He will grant you a Standard,





وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرُ

و گناهان شما را بیوشاند و شما را بیامرزد،  
absolve your evil deeds for you, and forgive you.

نَظْمٌ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

که خدا دارای فضل و رحمت بزرگ است. (۲۹)  
God possesses such splendid bounty! (29)



وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

و (به یاد آر) وقتی که کافران با تو مکر می کردند  
Whenever those who disbelieve plot against you,

لِيُثَبِّتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ ج

تا تو را به بند کشند یا به قتل رسانند یا از شهر بیرون کنند،  
to pin you down or kill you or exile you,



وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ

و آنها (با تو) مکر می کنند خدا هم (با آنها) مکر می کند  
they plot away while God is plotting too,

وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

و خدا بهتر از هر کس، مکر تواند کرد. (۳۰)  
and God is the best Plotter! (30)



وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا

و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود  
Whenever Our verses are recited to them,

قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا

گویند: شنیدیم،  
they say: "We have heard (it) already;



لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا

اگر ما هم می خواستیم مانند آن می گفتیم،  
if we wished to, we'd say the same as this.

۳۱  
إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

این چیزی جز افسانه پیشینیان نیست. (۳۱)  
These are only legends by primitive people!" (31)



وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ

و آن گاه که گفتند: خدایا  
When they say: "O God,

إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ

اگر این قرآن به راستی بر حق و از جانب توست  
if this is the Truth from You,



فَأَمْطِرُ عَلَيْنا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ

پس یا بر سرمان سنگهایی از آسمان بار  
then rain down stones from Heaven on us,

أَوْ أُنزِلْ عَلَیْنا عَذَابًا أَلِيمًا

یا ما را به عذابی دردناک گرفتار ساز! (۳۲)  
or give us painful torment!" (32)



وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ

ولی خدا تا تو (پیغمبر رحمت) در میان آنها هستی

God is not apt to punish them

وَأَنْتَ فِيهِمْ

آنان را عذاب نخواهد کرد

while you are among them,





وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبِهِمْ

و نیز مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند

nor will God be their tormenter

۳۳

وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

باز خدا آنها را عذاب نکند. (۳۳)

so long as they seek forgiveness. (33)



وَمَا لَهُمْ إِلَّا يَعْذِبُهُمُ اللَّهُ

و آنها چه کردند که خدا عذابشان نکند؟!

What do they have, that God should not punish them

وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

در صورتی که راه مسجد الحرام را (به روی بندگان خدا) می بندند

for blocking off the Hallowed Mosque



وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ وَج

و آنها سرپرستان (شایسته تولیت) آن نیستند،  
**while they are not its protectors?**

إِن أَوْلِيَاءَهُ وَس إِلَّا الْمُتَّقُونَ

سرپرستان آن به جز اهل تقوا نباشند،  
**Its protectors are only the heedful,**





وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

لیکن اکثر مردم آگاہ نیستند. (۳۴)

even though most of them do not realize it. (34)

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ

و نماز آنها در خانه کعبه جز صغیر و کفزدنی (که خلق را از خانه خدا منع می‌کند)

Their prayer at the House



إِلَّا مَكَّاءٌ وَتَصْدِيَةٌ ج فَذُوقُوا الْعَذَابَ

چیزی دیگر نیست، پس (در آخرت به آنها خطاب شود) بچشید طعم عذاب را  
 consists only of whistling and clapping: "Taste torment

۳۵

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

به کیفر آنکه به خدا کافر بودید. (۳۵)  
 since you have disbelieved!" (35)



إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ

کافران اموالشان را انفاق می کنند

Those who disbelieve spend their money

لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

برای این مقصود که راه خدا را ببندند

to block off God's way.



فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ

پس به زودی مالهایشان بر سر این خیال باطل برود و حسرتش  
**They will go on spending it; then regret will be their lot.**

حَسْرَةً ثُمَّ يَغْلِبُونَ ط

بر دل آنها بماند و آن گاه مغلوب نیز خواهند شد،  
**Next they will be defeated**



وَالَّذِينَ كَفَرُوا

و کافران را

and those who disbelieve



إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ

به سوی جهنم جمعاً رهسپار سازند. (۳۶)

will be summoned unto Hell (36)





لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ

تا آنکه خدا پلید را از پاکیزه جدا سازد  
so God may sort out the bad from the good

وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ

و پلیدان را بعضی با بعضی دیگر درآمیزد  
and pile some of the bad on top of the rest,



فَيَرْكُمُهُمْ **و** جَمِيعًا **و** فَيَجْعَلُهُمْ **و** فِي جَهَنَّمَ

و با هم گرد آورد آن گاه همه را در آتش دوزخ افکند،

so He may heap them all up together and drop them into Hell.

أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ **ع**

۳۷

که آنها زیانکاران عالمند. (۳۷)

Those will be the losers! (37)



# قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

(ای رسول ما) کافران را بگو که اگر (از کفر خود)

**Tell those who disbelieve that anything**

# إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ

دست کشیده و به راه ایمان بازآیند هر چه از پیش کرده‌اند بخشیده شود،

**they have done in the past will be forgiven once they stop [doing so]**

# وَإِنْ يَعُودُوا

و اگر باز (به کفر و عصیان) روی آرند سنت الهی درباره پیشینیان در گذشته است (یعنی حکم  
 while if they should ever do it over again,

فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ

۳۸

ازلی بر این قرار گرفته که مؤمنان را عزیز و بهشتی کند و کافران را ذلیل و دوزخی گرداند). (۳۸)  
 the precedent with the earliest men has already been set. (38)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً

و (ای مؤمنان) با کافران بجنگید تا دیگر فتنه

**Fight them off until there is no more persecution,**

وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ

و فسادی نماند و آیین همه دین خدا گردد،

**and Religion belongs wholly to God:**



فَإِنْ انْتَهَوْا

و چنانچه دست (از کفر) کشیدند  
yet if they do stop,

فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

خدا به اعمالشان بیناست. (۳۹)

then God is Observant of anything they do. (39)



# وَإِن تَوَلَّوْا

و اگر پشت کردند،

If they should turn away,

# فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ

پس بدانید که البته خدا یار شماست،

then know that God is your Protector;



# نِعْمَ الْمَوْلَىٰ

کہ بہترین یار

how splendid such a Protector is,

# وَنِعْمَ النَّصِيرُ



و بہترین یاور است. (۴۰)

and how favored is such a Supporter! (40)







Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



[www.negareh-asan.ir](http://www.negareh-asan.ir)

نگارش  
آسان